

لزوم مجازات مضاعف برای کارگزاران متخلف

آیت الله خامنه ای در چند نوبت با استناد به آیه ۳۰ سوره احزاب^۱ از "سنگین تر و سخت تر" بودن خطا و گناه منتسبین و دارایان موقعیت در حکومت اسلامی گفته‌اند؛ و از مضاعف بودن و "دو برابری" مجازات اینها طبق این آیه سخن گفته‌اند.^۲

• تقریر نظر ایشان:

۱. حکم (يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ=عذابش دوچندان می‌شود) - که در آیه برای زنان پیامبر(ص) در صورت مرتکب گناه و فحشا شدن (من يات منكن بفاحشه مبينه) آمده است - را به منتسبین ولایت و کارگزاران حکومت اسلامی، سرایت می‌دهند.

-مثلا به مداحان می‌گویند: "این [آیه] خطاب به زن‌های پیغمبر است؛ اما زن‌های پیغمبر خصوصیتی ندارند. خصوصیت زن‌های پیغمبر، انتساب به پیغمبر است. من و شما هر کدام انتساب بیشتر و موقعیت خطیر و ممتازی در جامعه داشته باشیم، همین خصوصیت در ما هم هست... با دیگر مردم، فرق داریم و من از شما بیشتر. اگر ما خطایی انجام دهیم، خطای ما مثل خطای مردم عادی نیست؛ سنگین تر و سخت تر است"^۳

نتیجه: شان و "شخصیت حقوقی"، گناه را مضاعف می‌کند.

۲. منظور از "عذاب مضاعف" در آیه را هم شامل "مجازات این جهانی" می‌دانند نه صرفا اخروی!
- در جمع مسئولان قضائی با استناد به آیه گفتند: "هر کدام از شما [زنان پیامبر] کار خلافی بکند، عذابتان دوبرابر است. یعنی همان کاری را که یک زن اگر بکند، پیش خدای متعال صد چوب خوردن دارد، اگر شما انجام دهید، دویست چوب به شما می‌زنند؛ چرا؟ چون زن پیغمبرید"^۴.

صدچوب، کنایه از صد تازیانه (در صورت عدم اثبات احصان) برای فحشاء زنان است؛ که برای زنان پیامبر، دو برابر می‌شمارد.

- در نوبتی دیگر با مسئولان قضائی گفتند: "کسی که در قوه قضائیه خیانت می‌کند و سلامت قوه را به هم می‌زند؛ این "يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ" باید دو برابر مجازات شود"^۵

که صریح در مجازات این جهانی و توسط دستگاه قضائی است نه مجازات اخروی در محکمه الهی.

^۳ روز ولادت حضرت فاطمه (س) ۸۴/۵/۵ با مداحان

^۴ دیدار با مسئولان قوه قضائیه ۹۸/۴/۵

^۵ دیدار با مسئولان قضائی ۹۴/۴/۷

^۱ ای همسران پیامبر هر کس از شما کار ناشایسته و گناه بزرگ آشکاری مرتکب شود عذابش دو چندان می‌شود و این کار برخدا آسان است.

^۲ در ۸۴/۵/۵ با مداحان/با مسئولین قضائی ۹۴/۴/۷ با مسئولان قوه

قضائیه ۹۸/۴/۵

۳. درباره "ضعیفین" دو تعبیر دارند: گاهی تصریح به مجازات "دوبرابری" دارند.^۸ و گاه تعبیرشان این است: "البته نمی‌گوییم دو برابر - این را ادعا نمی‌کنم - اما با دیگر مردم فرق داریم ... اگر ما خطایی انجام دهیم، خطای ما مثل مردم عادی نیست؛ سنگین‌تر و سخت‌تر است"^۸

مستندات شرعی این برداشت:

۱. در اینکه حکم، مختص به زنان پیامبر(ص) نیست، حرف ایشان بی‌پشتوانه نیست و ایشان تنها نیست. روایات متعددی - که برخی صحیح‌السنند - همه بنی‌هاشم و بنی‌فاطمه(س) را ملحق می‌نماید.^۹ از فقهای بزرگ نیز کسانی مثل علامه حلی، آیه را بر "علمای دین" توسعه داده‌اند. مناط عذاب مضاعف زنان پیامبر(ص) را "استفاده علمی‌شان" با قرابت به رسول الله شمرده‌اند.^{۱۰} به تعبیر برخی دیگر، زنان پیامبر(ص) بخاطر شدت مصاحبت با پیامبر(ص)، شاهد وحی بر ایشان بوده و علمشان به احکام مثل علم ضروری و بدیهی است؛ لذا عذاب، برایشان مضاعف است.^{۱۱}
۲. در اینباره که مجازات این جهانی منتسبین ولایت و شخصیت‌های حقوقی حکومت اسلامی باید مضاعف - ولو نه الزاماً دو برابر - باشد؛ به ادله متعددی می‌توان استناد کرد:
- ۲.۱. قاعده تناسب غنیمت با غرامت^{۱۲}:

بدین بیان که اگر برای کسی "غنیمت" و "موقعیتی" بود که از آن حیث، "منفعتی" به او می‌رسد؛ اگر به "همان

همان

با مداحان ۸۴/۵/۵

فغضب، و قال: «نحن أحرى أن يجرى فينا ما أجرى الله في أزواج النبي (صلى الله عليه وآله) من أن يكون كما تقول، إنا نرى لمحسننا ضعفين من الأجر، و لمسيئتنا ضعفين من العذاب». ثم قرأ الآيتين. (تفسير البرهان ج ۴ ص ۴۴۱)

- أَنبَأَنِي الطَّبْرَسِيُّ فِي إِعْلَامِ الْوَرَى قَالَ الشُّقْرَانُ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ ص خَرَجَ الْغَطَاءُ أَيَّامَ أَبِي جَعْفَرٍ وَ مَا لِي شَفِيعٌ قَبِيتُ عَلَى الْبَابِ مُتَحَيِّرًا وَ إِذَا أَنَا بِجَعْفَرِ الصَّادِقِ ع فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ أَنَا مَوْلَاكَ الشُّقْرَانُ فَرَحَّبَ بِي وَ ذَكَرْتُ لَهُ حَاجَتِي فَتَزَلَّ وَ دَخَلَ وَ خَرَجَ وَ أَعْطَانِي مِنْ كُمِّهِ فَصَبَّهُ فِي كُمِّي ثُمَّ قَالَ يَا شُقْرَانُ إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَ إِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا وَ إِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَ إِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ وَ عَظُهُ عَلَى جَهَةِ التَّعْرِيزِ لِأَنَّهُ كَانَ يَشْرَبُ. (المناقب بن شهر آشوب ج ۴ ص ۲۳۶)

۱۰. رک: تحریر الاحکام ج ۱ ص ۳۷

۱۱. رک: کنز‌العرفان فی فقه القرآن ج ۲ ص ۲۴۰

۱۲. این قاعده جزء صغریات قاعده عدالت یا انصاف است و عقل مستقل برای حکم به آن کافیست. گرچه از قاعده لفظی "من له الغنم علیه الغرم" هم می‌توان استفاده کرد؛ به شرطی که قاعده لفظی را منحصر در غنیمت و غرامت مالی ندانیم. برای نمونه رک: دراسات فی ولایة‌الفقیه و فقه الدولة‌الاسلامیة ج ۱ ص ۵۶۵

اینکه "الضعف" و "ضعفین" به چه معناست؟ بین لغویین و مفسرین و فقهاء اختلاف هست: برخی "ضعفین" را "دو برابر" و برخی "سه برابر" (ابوعبیده) و برخی "زاید و اضافه‌ای بر اصل" یا بیشتر از اصل (دو برابر یا بیشتر) معنا کرده‌اند. برای تفصیل به: ترجمه مجمع البیان ج ۲۰ ص ۹۹/ التبیان ج ۸ ص ۳۳۴ و ۳۳۵/ ایضاح الفوائد ج ۲ ص ۵۴۸ و ۵۴۹/ جامع المقاصد ج ۱ ص ۲۵۹ تا ص ۲۶۱ و... رجوع کنید.

۹. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْوَشَاءُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَمْرِو الْحَلَّالُ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع أَخْبِرْنِي عَمَّنْ عَانَدَكَ وَ لَمْ يَعْرِفْ حَقَّكَ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ هُوَ وَ سَائِرُ النَّاسِ سَوَاءٌ فِي الْعِقَابِ فَقَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ عَلَيْهِمْ ضِعْفًا الْعِقَابُ. -عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا ع قُلْتُ لَهُ الْجَادِحُ مِنْكُمْ وَ مِنْ غَيْرِكُمْ سَوَاءٌ فَقَالَ الْجَادِحُ مِنَّا لَهُ ذَنْبَانِ وَ الْمُحْسِنُ لَهُ حَسَنَتَانِ. (الكافي ج ۱ ص ۳۷۷ و ۳۷۸)

-الطبرسی: روی محمد بن ابی عمیر، عن إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الحمید، عن علی بن عبید الله بن الحسین، عن أبيه، عن علی بن الحسین زین العابدین (عليه السلام)، أنه قال له رجل: إنكم أهل بيت مغفور لكم. قال:

موقعیت"، خودش ضربه و ضرری بزند، "گرامت" و "پیگردش" را باید خودش بپردازد.

در بحث ما:

- "شخصیت حقوقی" و از مقامات بودن یک غنیمت و موقعیت است.

- این موقعیت، برای صاحبش، "منفعتی" دارد. مثلاً توهین و افتراء به او در این موقعیت، را قانون، "توهین مشدد" دانسته است.

توهین به "افراد عادی" طبق اصل ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، ۷۴ ضربه شلاق یا ۵۰ تا ۱ میلیون تومان جزای نقدی دارد؛ اما توهین به "کارکنان و مقامات دولتی" در حین انجام وظیفه طبق اصل ۶۰۹ غیر از مجازات قبل، از "سه تا شش ماه حبس" هم دارد. در مواردی نیاز به شکایت خودشان هم نیست؛ مدعی العموم جای آنها وارد می‌شود. در مواردی هم جرم توهین به آنها، "غیر قابل گذشت" است؛ یعنی اگر او هم ببخشد، پرونده بسته نمی‌شود!

- حالا اگر خود این مقامات، با خطا و گناه (مثل رشوه و اختلاس و...) ضربه به همین جایگاه و موقعیت حقوقی بزنند؛ آیا عادلانه است مجازاتشان اندازه شخص حقیقی و فرد عادی باشد؟!

توهین به او - بخاطر جایگاه حقوقی - توهین مشدد باشد؛ اما جرم او - یا خلل به همان جایگاه - جرم عادی باشد!!!

قانونگذار توهین به ایشان را بخاطر هتک موقعیت و شخصیت حقوقی‌اش، مشدد و مجازات توهین کننده را مضاعف کرده؛ حالا که او با جرم خود، هتک موقعیت و شخصیت حقوقی‌اش را موجب شده و مثلاً دید مردم را نسبت به دستگاه قضایی یا دولت اسلامی سست کرده، نباید مجازات این جرم هم بر جرم اختلاس و رشوه و... او افزوده شود؟! (این غیر از سوء استفاده از جایگاه در ارتکاب جرم است/ دقت کنید)

متأسفانه قانون مجازات اسلامی این نکته وجدانی و عادلانه را لحاظ نکرده و در این مورد جرم انگاری نشده است!

در حالیکه در عرف واضح است و هن و سستی حکومت اسلامی در افکار عمومی به وسیله جرائم و خطاهای کارگزاران حکومت، بیشتر حاصل می‌شود تا یک توهین کننده در اداره و مانند آن.

۲.۲. سیره امیر المومنین (ع) درباره تخلف کارگزارانش:

۲.۲.۱. مقایسه مجازات ابن هرمه با خائن یا مختلس عادی:

در شریعت "حبس، همراه با تنبیه بدنی"^{۱۳} اقلاً برای سه نفر ثابت است: اختلاسگر، غاصب و خائن^{۱۴}.

به حسب روایت سکونی از امام صادق (ع)، امیر المومنین (ع) مردی که گوشواره از گوش کنیزکی ربوده و فرار کرده بود را چنین محکوم کرد: این کار سرقت نیست بلکه هجوم غارتگرانه است [لذا بعنوان سارق دست او را نبرید] او را کتک زده و زندانی کنید^{۱۵}.

اما برای ابن هرمه - که کارگزار ایشان در بازار اهواز بوده و خیانت کرده - مجازاتی سنگین‌تر از اختلاس‌گر یا خائن عادی (که حبس و کتک است) قرار داد:

- اعلان عمومی خیانتش به مردم

- بیرون آوردن از زندان در جمعه و زدن ۳۵ تازیانه

^{۱۴} ر.ک: احکام المحبوسین فی الفقه الجعفری محمد باقر خالصی

ص ۱۳۳ تا ص ۱۳۹

^{۱۵} الکافی ج ۷ ص ۲۲۶

^{۱۳} حبس گاهی جهت تعزیر و حد است و با مجازاتهای دیگری همراه است. برای تفصیل انواع حبس در شریعت ر.ک: دراسات فی ولایة الفقیه

ج ۲ ص ۴۴۶

- گرداندن در بازار بشکل بسیار خفت‌بار و تحقیرآمیز
- دو پا را در زنجیر کردن (به استثناء وقت نماز)
- عدم اجازه خلوت کردن با ملاقات کننده (ممنوع الملاقات)
- اگر کسی به او دلداری داد، او هم حبس و تازیانه شود!
- منع هواخوری شبانه در حیاط زندان بخلاف سایر زندانیان (الا در صورت احتمال تلف شدن).
- اگر توان و تحمل داشت، بعد از گذشت ۳۰ روز باز ۳۵ تازیانه دیگر
- قطع حقوقش از بیت‌المال^{۱۶}

مضمون قسمتی از عهدنامه مالک اشتر هم موید این سخت‌گیری بر کارگزار خائن است: "معاونان خویش را با دقت زیر نظر بگیر. اگر یکی از آنان دست به خیانت گشود و جاسوسان تو به اتفاق آنرا گزارش کردند؛ برای اثبات آن جرم کافی است و نیازی به شاهد دیگر نیست. او را تنبیه بدنی کن و آنچه را به دست آورده از او بگیر و به ذلت و خواری در آور و نشان خیانت بر او بگذار و طوق ننگ بر گردنش بیاویز"^{۱۷}

نتیجه اینکه جرم این هرمه چه اختلاس بوده باشد، چه خیانت، مجازاتش برای فرد عادی حبس و کتک است؛ اما بخاطر کارگزار حکومت اسلامی بودن، شاهد عقوبت مضاعف در او هستیم. مضمون آن مجازات‌های اضافی در دستور به مالک اشتر درباره کارگزاران هم هست.

۲.۲.۲. مقایسه مواجهه‌ی حضرت با زیاد بن ابیه و دستبرد زننده عادی به بیت‌المال:

وقتی عبدالله بن عباس والی بصره بود، زیاد بن ابیه جانشین او در برخی نواحی اهواز و فارس و کرمان بود. حضرت به او می‌نویسد: "انی اقسم بالله قسماً صادقاً لئن بلغنی انک خنت من فیء المسلمین شیئاً صغیراً او کبیراً لأشدن علیک شدة تدعک لقلیل الوفر ثقیل الظهر ضئیل الامر"^{۱۸} یعنی: به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست که اگر به من خبر رسد که در غنائم مسلمانان به اندک و یا بسیار، خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت بگیرم که تهیدست شوی و هزینه زندگی بر دوشت سنگینی کند و حقیر و خوار گردی."

حضرت اینجا حتی مقابل دستبرد صغیر از بیت‌المال توسط کارگزار، چنین عقوبتی می‌شمارد در حالیکه به حسب

^{۱۶} عَنْ عَلِيٍّ ع: أَنَّهُ اسْتَدْرَكَ عَلَى ابْنِ هَرَمَةَ خِيَانَةً وَ كَانَ عَلَى سَوْقِ الْأَهْوَازِ فَكَتَبَ إِلَى رِفَاعَةَ فَإِذَا قَرَأَتْ كِتَابِي هَذَا فَنَحَّ ابْنَ هَرَمَةَ عَنِ السَّوْقِ وَ أَوْفَقَهُ لِلنَّاسِ وَ اسْجَنَهُ وَ نَادَى عَلَيْهِ وَ أَكْتُبْ إِلَى أَهْلِ عَمَلِكَ لِتُعَلِّمَهُمْ رَأْيِي فِيهِ وَ لَا تَأْخُذْكَ فِيهِ غَفْلَةٌ وَ لَا تَفْرِيطَ فَتَهْلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ أَعَزِّكَ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرِجْهُ مِنَ السَّجْنِ وَ اضْرِبْهُ خَمْسَةً وَ ثَلَاثِينَ سَوْطاً وَ طَفِّ بِهِ فِي الْأَسْوَاقِ فَمَنْ أَتَى عَلَيْهِ بِشَاهِدٍ فَحَلِّفْهُ مَعَ شَاهِدِهِ وَ ادْفَعْ إِلَيْهِ مِنْ مَكْسَبِهِ مَا شَهِدَ بِهِ عَلَيْهِ وَ مَرِّ بِهِ إِلَى السَّجْنِ مِهَاناً مَقْبُوضاً وَ احْزَمْ رِجْلَيْهِ بِحِزَامٍ وَ أَخْرِجْهُ وَقْتُ الصَّلَاةِ وَ لَا تَحِلَّ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَنْ يَأْتِيهِ بِمَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ أَوْ مَفْرَشٍ وَ لَا تَدْعُ أَحَدًا يَدْخُلُ إِلَيْهِ مِمَّنْ يَلْقَنَهُ اللَّدْدَ وَ يَرْجِيهِ الْخُلَاصَ فَإِنْ صَحَّ عِنْدَكَ أَنْ أَحَدًا لَقَنَهُ مَا يَضُرُّ بِهِ مُسْلِمًا فَاضْرِبْهُ بِالْدَّرَّةِ وَ احْبِسْهُ حَتَّى يَتَوَبَّ وَ مَرِّ بِأَخْرَاجِ أَهْلِ السَّجْنِ إِلَى صَحْنِ السَّجْنِ فِي اللَّيْلِ لِيَتَفَرَّجُوا غَيْرَ ابْنِ هَرَمَةَ إِلَّا أَنْ تَخَافَ مَوْتَهُ فَتُخْرِجْهُ مَعَ أَهْلِ

السَّجْنِ إِلَى الصَّحْنِ فَإِنْ رَأَيْتَ لَهُ طَاقَةً أَوْ اسْتَطَاعَةً فَاضْرِبْهُ بَعْدَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا خَمْسَةً وَ ثَلَاثِينَ سَوْطاً بَعْدَ الْخَمْسَةِ وَ ثَلَاثِينَ سَوْطاً الْأُولَى وَ أَكْتُبْ إِلَى بِمَا فَعَلْتَ فِي السَّوْقِ وَ مَنْ اخْتَرْتَ بَعْدَ الْخَائِنِ وَ أَفْطَعُ عَنِ الْخَائِنِ رِزْقَهُ.
(مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۴۰۳ و ۴۰۴)

^{۱۷} تحفظ من الأعوان فإن أحد منهم بسط يده الي خيانة اجتمعت بها عليه عندك أخبار عيونك اكتفتيت بذلك شاهداً فبسطت عليه العقوبة في بدنه و أخذته بما أصاب من عمله ثم نصبته بمقام المذلة و وسمته بالخيانة و قلدته عار التهمة.(نهج البلاغه نامه ۵۳)

عهدنامه مالک اشتر در رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی دارای سند معتبر است.

^{۱۸} نامه ۲۰ نهج البلاغه. ابن ابی الحدید در شرح نامه نوشته: ثقیل الظهر یعنی مسکینی که قادر به مخارج خانواده نباشد / ضئیل الامر یعنی حقیر ... (شرح ابن ابی الحدید ج ۱۵ ص ۱۳۹).

روایت صحیح، وقتی مردی عادی کلاهخود از غنائم دزدید، حضرت درباره‌اش فرمود: "من هرگز دست کسی را برای دزدیدن چیزی که در آن سهم دارد قطع نمی‌کنم"^{۱۹}.
در مورد دیگری که مردی عادی از بیت‌المال چیزی دزدید، باز اجازه حد سرقت نداد؛ چون در آن مال (بیت‌المال) برای سارق نصیب بود^{۲۰}.
از اینروست که فقهاء اتفاق نظر دارند که اگر آنچه از بیت‌المال ربوده شده کمتر یا اندازه سهم او از بیت‌المال بوده، "حد" دزد بر او جاری نمی‌شود^{۲۱}.
چنین فردی برای دستبردش به بیت‌المال حداکثر تعزیر می‌شود اما اگر او کارگزار باشد - حتی اگر دستبردش اندازه سهمش از بیت‌المال باشد - آن عقوبت سخت وعده داده شده به «زیاد» در انتظارش بود؛ که عقوبتی مضاعف از یک فرد عادی است.

توصیه:

بنظر می‌رسد بیش از این نیز می‌توان برای این حکم دلیل آورد. جا دارد در فضای نخبگانی کشور چنین احکام مضاعفی برای کارگزاران و منتسبین حکومت اسلامی پژوهش و بررسی شود و سپس در فضای فرهنگی - سیاسی تعقیب و روند قانونی شدن آن از طریق مجلس شورای اسلامی دنبال شود.

اینگونه هم بازدارندگی برای کارگزاران و منتسبین بیشتر می‌شود و هم بخاطر رعایت عدل در رابطه با مردم و مسئولان؛ حمایت مردمی از حاکمیت اسلامی فزونی می‌گیرد.

در حالیکه که الان تبعیض موجود (جرم علیه آن‌ها، عقوبتش مضاعف / جرم خود آنها، عقوبتش مثل مردم) موجب شکاف بین مردم و مسئولین شده است.

محسن قنبریان / ۵ مهرماه ۹۹

-سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شُمُونَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعٍ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: «أَتَى بَرَجْلٌ سَرَقَ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ فَقَالَ لَا تُقَطِّعْهُ فَإِنَّ لَهُ فِيهِ نَصِيبًا» (تهذيب الاحكام ج ۱۰ ص ۱۰۴ و ص ۱۰۵)

^{۲۰} همان

^{۲۱} رک: تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - الحدود آيت الله فاضل لنكراني ص ۵۰۴ الی ص ۵۰۹ / مباني تكملة المنهاج جلد ۴۱ موسوعة الامام

الخوئي ص ۴۴۴

^{۱۹} سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي رَجُلٍ أَمَرَ بِهِ أَنْ تُقَطَّعَ يَمِينُهُ فَقُدِّمَتْ شِمَالُهُ فَقَطَّعُوهَا وَحَسَبُوهَا يَمِينَهُ وَقَالَ إِنَّمَا قَطَّعْنَا شِمَالَهُ أَوْ تُقَطَّعَ يَمِينُهُ فَقَالَ لَا تُقَطَّعُ يَمِينُهُ وَقَدْ قَطَّعَتْ شِمَالُهُ وَقَالَ فِي رَجُلٍ أَخَذَ بَيْضَةً مِنَ الْمَغْنَمِ وَقَالُوا قَدْ سَرَقَ أَقْطَعُهُ فَقَالَ إِنِّي لَمْ أَقْطَعْ أَحَدًا لَهُ فِيهَا أَخَذَ شُرْكَ.